



روایت باریکه



مصطفی آرائی

روزنامه نگار

وقتی اسرائیل مدعی

حمایت از دروزی‌ها می‌شود!

دیروز کانون تحولات در فلسطین اشغالی مربوط به یک آتش‌سوزی بزرگ بود. روایت رنجی که فلسطینی‌ها در غزه می‌برند در چهل و چهارمین روز از سرگیری تجاوز به نوار غزه و در حالی که بیش از ۶۰ روز از زمان آغاز محاصره غذایی و درمانی این باریکه گذشته هم قصه‌ای تکراری است ولی برای وجدان‌های بیدار گفتن دارد. دیروز از سحرگاه تا حوالی ساعت ۶ بعدازظهر بیش از ۲۴ فلسطینی در غزه به شهادت رسیدند.

مدیر ارتباطات آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد (UNRWA) دیروز گفت «یافتن کلماتی برای توصیف وضعیت فعلی غزه که فاقد ابتدایی‌ترین معیارهای یک زندگی انسانی است، دشوار است.» و به گفته سخنگوی برنامه جهانی غذا این برنامه برای ۷۰۰ هزار نفر در نواز غزه، غذا درست می‌کرده و در طول آتش‌بس بین ۳۰ تا ۴۰ هزار تن کمک بشردوستانه وارد باریکه می‌کرده که این موضوع حالا غیرممکن است.

دردناک‌تر از همه اما حالا این نقل قول از آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی (UNRWA) است که اعلام کرد: «خانواده‌های ساکن غزه تأیید کرده‌اند که به دلیل کمبود مواد غذایی، هر چیزی را که پیدا کنند، حتی اگر سالم نباشد، می‌خورند.»

ماجرا فقط مربوط به مسائل غذایی نیست. در حوزه زندانیان دیروز یک روایت از وضعیت عبدالله برغوثی، یک اسیر فلسطینی منتشر شد که در یک کلام روایت دردناکی بود. آن را به نقل از یک نهاد غیردولتی به نام دفتر رسانه‌ای زندانیان خوانید:

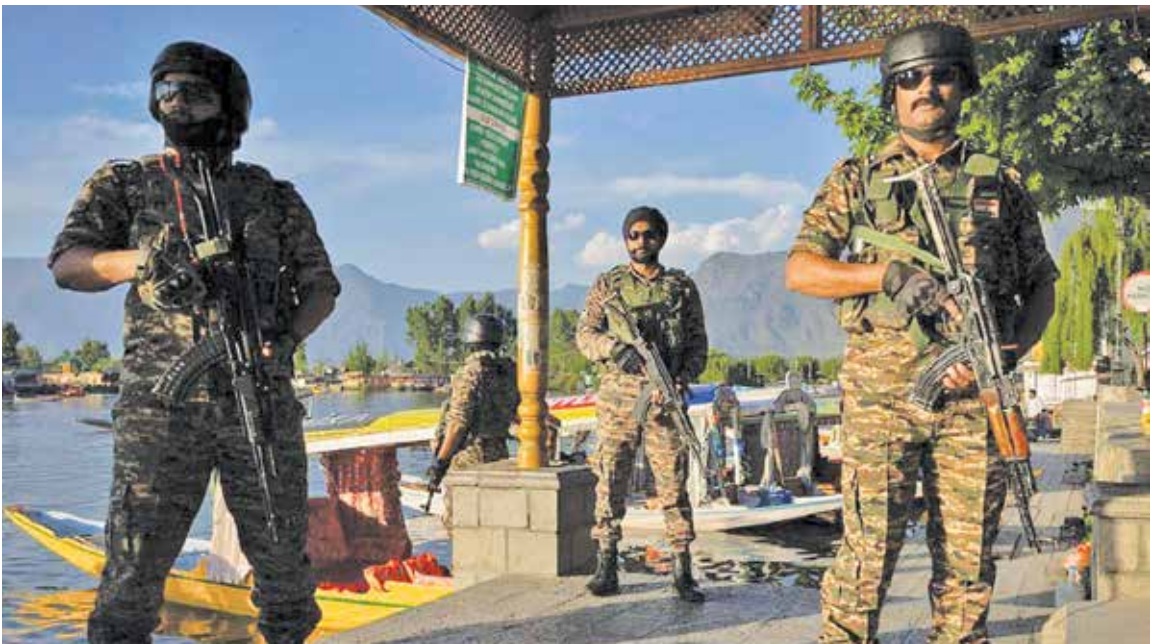
«زندانی عبدالله برغوثی مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته است، بدنش پر از لکه‌های کبود، سرش پر از لخته‌های خون، چشمش متورم و دنده‌هایش شکسته شده است. یگان‌های سرکوب به رهبری افسری به نام «امیر» به سلول او یورش بردند و در آنجا او را آتقدرد تنگ شتم، سگ‌ها را آوردند تا بدن خونی او را بلعند، بطوری که افسر مسئول دستور می‌داد: «سگ‌ها را بباورید تا بتوانند با او خوش بگذرانند.» نیروهای سرکوبگر پس از هر دور شکنجه، مایع ظرفشویی داغ روی بدن نحیف او می‌ریختند تا درد را بیشتر کنند. در نتیجه شکنجه، زندانی برغوثی بارها به کما می‌رود، در حالی که دستانش در کیسه زباله و جعبه دستمال توالت پیچیده شده و هیچ وسیله حفاظتی دیگری نداشت. او حالا قادر به خوابیدن به طور عادی نیست و به دلیل درد شدید مجبور است روی زمین بنشیند و سرش را به جلو خم کند. او به مدت ۱۲ روز نتوانسته دوش بگیرد و به دلیل ناتوانی در جودن، مجبور است نان را در آب خیس کند و بخورد.»

این تنها روایت دردناک دیروز نبود. روایت دیگر مربوط به مدیرکل وزارت بهداشت نوار غزه بود که به الجزیره گفت:

«بیش از ۴ هزار کودک در نوار غزه یتیم شده‌اند، ۱۰۰ کودک در انتظار باز شدن گذرگاه، در قحطی جان باختمند. از ۳۸ بیمارستان نوار غزه، ۲۰ بیمارستان به صورت نیمه‌فعال فعالیت می‌کنند و نیروهای اشغالگر بیش از ۴۶۰ نفر از کارکنان بهداشتی ما را دستگیر کردند.» به این روایت‌های فلسطینی، یک نکته هم در مورد سوریه اضافه کنیم. دوشنبه شب یک فایل صوتی منسوب به یکی از افراد طایفه دروز در اهانت به پیامبر اسلام (ص) منتشر شد و پس از آن گروه‌های مسلح طرفدار حکومت جولانی از مناطق مختلف سوریه به شهر جرمانا یورش بردند و با ساکنان این منطقه درگیر شدند. این درگیری‌ها روز سه‌شنبه، براساس توافقی میان بزرگان و ریش سفیدان جرمانا و حکومت جولانی متوقف شده بود ولی پس از حمله شبه‌نظامیان دروز به یک ایست بازرسی امنیتی و کشته شدن پرسنل امنیتی سوریه، از هم پاشید. حالا درگیری در چهار منطقه یعنی شهرک جرمانا، شهرک اشرفیه صحنایا در جنوب دمشق و نیز برخی نقاط در حمص و سویدا گزارش شده و جالب توجه است که اسرائیل نیز با ادعای حمایت از اقلیت دروز با پهماد اقدام به حملاتی در این منطقه کرده است. به طور کلی اسرائیلی‌ها از تابستان گذشته تا به حال (از همان ماجرای شهرک مجدالشمس که بهانه حمله به ضاحیه بیروت و ترور فواد شکر شد) پرچی را برای حمایت واقعی آنها در نهایت نفوذ در مناطق شرقی سوریه و جنوب و جنوب غربی سوریه است.

هند و پاکستان چگونه به لبه پرتگاه نزدیک می شوند؟

جنگ در کمین است



عکس: Reuters

هیچ‌یک از دو کشور منصوب نکرده و مقامات مربوطه وزارت خارجه نیز هنوز تأیید نشده‌اند) و برخلاف سال ۲۰۱۹، دیگر نیروهای آمریکایی در افغانستان در مجاورت این ۲ کشور وجود ندارند. مشخص نیست ایالات متحده امروز چقدر در جهت کاهش تنش‌ها تلاش خواهد کرد. با توجه به سخنان مودی که فضای چندان‌ی برای مصالحه باقی نگذاشته، فشار بر رهبری نظامی پاکستان برای پاسخ قاطع به هرگونه حمله هند و افزایش نقش چین در منطقه، تحولات کشمیر در معرض خطر ایجاد یک تشدید تنش غیرقابل کنترل قرار دارد.

گزارش



شوات سینگ

استاد دانشگاه بیل

در ۲۴ آوریل، نازندرا مودی، نخست‌وزیر هند، در برابر جمعیتی در ایالت بهار در شمال این کشور ایستاد و در تغییری نادر از زبان معمول هندی خود، هشدار خود را به زبان انگلیسی بیان کرد: «هند هر تروریست و حامیان آنها را شناسایی و مجازات خواهد کرد. ما آنها را تا اقصی نقاط جهان دنبال خواهیم کرد. روحیه هند هرگز با تروریسم شکسته نخواهد شد. تروریسم بدون مجازات نخواهد ماند.» این پیام، که تنها دو روز پس از مرگ‌بارترین حمله به غیرنظامیان در کشمیر تحت دهلی نو این کشور را مسئول حمله می‌داند. بلکه ادامه هند در بیش از دو دهه اخیر بیان شده، نه تنها برای مصرف داخلی یا برای پاکستان. بلکه برای کشور را مسئول حمله می‌داند. این پیامی به جهان بود مبنی بر اینکه هند در حال آماده شدن برای یک پاسخ نظامی قاطع است. کشمیر اکنون بار دیگر به یکی از خطرناک‌ترین مناطق التهاب در جهان تبدیل شده است. هنوز مشخص نیست کدام گروه مسئول حمله ۲۲ آوریل (دوم اردیبهشت امسال) است- حمله‌ای که به کشته شدن ۲۶ گردشگر در پاهالگام، یکی از مناطق کوهستانی زیبا در کشمیر، انجامید. اما این فاجعه، هند را بار دیگر به نقطه‌ای غم‌انگیز و آتش‌رسانده است. رویدادهای پیشین خشونت تروریستی در کشمیر باعث شده‌اند هند به همسایه‌اش پاکستان حمله کند- کشوری که مقامات هندی اصرار دارند منشأ سرتیزه‌جویی است- که همچنان این منطقه مورد مناقشه را گرفتار کرده است. لفاظی مودی در این ماه بازتابی از سخنرانی‌های او در سال ۲۰۱۹ است، پیش از آنکه جنگنده‌های هندی به پاکستان حمله کنند و پس از آنکه یک بمب‌گذار انتحاری با خودرو در کشمیر ۴۰ شبه‌نظامی هندی را کشت. در آن سال، پاکستان به حمله هند پاسخ داد، یک جنگنده هندی را سرنگون کرد و خلبان آن را به اسارت گرفت و دو کشور مجهز به سلاح هسته‌ای تا آستانه درگیری گسترده‌تر پیش رفتند.

اما اوضاع در سال ۲۰۱۹ تا حد زیادی به لطف شناس آرام شد. جنگنده‌های هندی به اهداف خود نرسیدند و کسی را در داخل پاکستان کشتند؛ خلبان هندی زنده ماند و به‌سرعت توسط نیروهای پاکستانی بازگردانده شد؛ و هر ۲ دولت با کنترل رسانه‌های داخلی خود، اعلام پیروزی کردند. دخالت قوی قدرت‌های خارجی از جمله ایالات متحده، انگیزه‌ای برای کاهش تنش فراهم کرد. لیزا کرتیس که در آن زمان یکی از مقامات دولت ترامپ بود، در سال ۲۰۲۲ یادآور شد که مقامات ارشد آمریکایی با طرفین تماس گرفتند و «از طریق تدوین برنامه‌ای برای کاهش تنش پیش رفتند.»

این امر منجر به تنش‌های گسترده‌تر برای کاهش تنش چندان مساعد نیست. اوضاع در کشمیر از گذشته ناپایدارتر شده است. سیاست‌های سخت‌گیرانه هند تحت رهبری مودی و تحمیل حکومت مستقیم مرکزی بر کشمیر، موجب بیگانگی عمیق در این منطقه با اکثریت مسلمان این منطقه شده است. کشتار اخیر، آتش دشمنی‌ها میان هند و پاکستان را در حالی دوباره شعله‌ور کرده که رهبران و شخصیت‌های هندی خواهان انتقام شده و مقامات پاکستانی هم سیاست‌های هند در کشمیر را محکوم می‌کنند.

دهلی نو می‌تواند تصمیم بگیرد که تنها به نوعی انتقام آرام‌تر و پنهانی از اسلام‌آباد روی آورد، اما این اقدام به‌احتمال زیاد افکار عمومی‌ای را که خواهان اقدامی قاطع‌تر هستند، راضی نخواهد کرد. اقدام نظامی آشکار همچنان یک احتمال واقعی است. در سال ۲۰۱۹، قمر جاوید باجووا، فرمانده وقت ارتش پاکستان و عملاً قدرتمندترین تصمیم‌گیرنده در کشور، به دنبال آشتی با هند بود. امروز اما جانشین او عاصم منیر از نظر سیاسی تحت فشار است و نیاز دارد قدرت خود را به نمایش بگذارد؛ او حتی یک هفته پیش از حمله ۲۲ آوریل، اظهاراتی تند علیه اقدامات هند در کشمیر بیان کرده بود. دولت ترامپ توجه چندان‌ی به این منطقه ندارد (هنوز سفیرانی در

هیچ‌یک از دو کشور منصوب نکرده و مقامات مربوطه وزارت خارجه نیز هنوز تأیید نشده‌اند) و برخلاف سال ۲۰۱۹، دیگر نیروهای آمریکایی در افغانستان در مجاورت این ۲ کشور وجود ندارند. مشخص نیست ایالات متحده امروز چقدر در جهت کاهش تنش‌ها تلاش خواهد کرد. با توجه به سخنان مودی که فضای چندان‌ی برای مصالحه باقی نگذاشته، فشار بر رهبری نظامی پاکستان برای پاسخ قاطع به هرگونه حمله هند و افزایش نقش چین در منطقه، تحولات کشمیر در معرض خطر ایجاد یک تشدید تنش غیرقابل کنترل قرار دارد.

تحلیل‌های منابع آزاد و گزارش‌های بین‌المللی اثربخشی حمله هوایی سال ۲۰۱۹ را زیر سؤال برده‌اند و شواهد اندکی از تلفات قابل توجه شبه‌نظامیان یا تخریب زیرساخت‌ها ارائه شده است. این عملیات‌ها در آستانه انتخابات پارلمانی هند در سال ۲۰۱۹، که تقویت تصویر مودی به‌عنوان رهبری مقتدر که توانسته پاکستان را مجازات کند، کمک کرد.

حمله اخیر در پاهالگام، پوچی این راهبرد را آشکار کرده است. با وجود ادعاهای مکرر دولت مبنی بر آن که اقدامات هند در سال‌های اخیر بازاردنگی ایجاد کرده، خشونت شبه‌نظامی ادامه یافته و وضعیت امنیتی در کشمیر همچنان وخیم است. حملات سال ۲۰۱۹ به پاکستان را مرعوب کرد و نه شبه‌نظامیان جدایی‌طلب را. چرخه حمله و تلافی ادامه یافته و هر‌رویداد، خطر تشدید تنش میان دو همسایه مجز به سلاح هسته‌ای را افزایش داده است.

در خاطراتی که در سال ۲۰۲۳ منتشر شد، مایک پمپئو، وزیر خارجه پیشین آمریکا فاش کرد که هند و پاکستان در فوریه ۲۰۱۹، پس از حملات هوایی هند در داخل پاکستان، به‌طور خطرناکی تا آستانه تبادل هسته‌ای پیش رفتند و هر دو طرف ظاهراً آماده تشدید تنش بودند تا آن که مداخله فوری ایالات متحده به کاهش بحران کمک کرد. در تجمعات انتخاباتی بهار آن سال، مودی مکرراً به موضوعات هسته‌ای اشاره می‌کرد و می‌یالید که هند «بلوف هسته‌ای پاکستان را نقش بر آب کرده» و می‌گفت زرادخانه هسته‌ای هند فقط برای استفاده در جشن «دپوالی» نگهداری نمی‌شود- که اشاره‌ای به جشن هندوهاست که در آن آتش‌بازی انجام می‌شود- او از این لفاظی هسته‌ای برای نمایش اقتدار دولتش بهره گرفت. اما اکنون، سخنان مودی او را در تنگنا قرار داده است. نخست‌وزیر اکنون تحت فشار شدید افکارعمومی و سیاسی برای واکنشی قاطع به هر حمله جدید است، حتی زمانی که گزینه‌های هند محدود یا پرمخاطره باشند. تمرکز پیوسته دولت بر مجازات پاکستان- که با پوشش رسانه‌ای فوق‌ملی گرایانه هند متحرک می‌شود- به جای تدوین راهبردی منسجم و بلندمدت با خواسته‌های مشخص از همسایه، فضای لازم برای کاهش تنش را محدود کرده و تنها ابزارهایی که در اختیار دهلی نو باقی مانده، ابزارهای اجبارآمیز نظامی‌اند.

احتمال دارد هند به گولهِ باران با توپخانه یا موشک، حملات هوایی به اهداف مشکوک شبه‌نظامیان یا حتی یورش‌های زمینی محدود به‌سوی خط کنترل (مرز غیررسمی میان بخش‌های هند و پاکستان در کشمیر) دست بزند؛ اقداماتی که هدفشان نشان دادن قدرت است، اما در عین حال طرفین را در آستانه جنگ تمام‌عیار گاه می‌دارد. اما این اقدامات می‌توانند به تشدید تنش منجر شوند و باعث تلافی فوری پاکستان شوند با این خطر همیشگی که یک محاسبه اشتباه، به درگیری گسترده‌تر و در بدترین حالت، به رویارویی هسته‌ای منجر شود.

در آن‌سوی مرز، پاکستان درگیر بحران شدیدی سیاسی واقتصادی است؛ ارتش این کشور که قدرتمندترین نهاد در ساختار قدرت محسوب می‌شود، به‌شدت نامحبوب شده و محبوب‌ترین رهبر سیاسی آن، نخست‌وزیر پیشین عمران خان، در زندان به‌سر می‌برد. ارتش می‌تواند از درگیری با هند بر سر کشمیر برای بازسازی مشروعیت خود بهره بگیرد، همان‌گونه که در دهه‌های اخیر بارها چنین کرده است. ژنرال منیر، فرمانده ارتش پاکستان، تحت فشار قرار دارد تا اعتبار ارتش را احیا کند. او احتمالاً بیش از سلف خود، ژنرال باجووا- که امیدوار بود روابط دوستانه‌ای با هند تحت رهبری مودی برقرار کند اما ناکام ماند- در برابر اقدامات هند واکنشی قاطع نشان خواهد داد.

دکترین نظامی پاکستان موسوم به «تلافی به علاوه» (quid pro plus) به این معناست که هرگونه حمله هند، حتی اگر محدود باشد، با پاسخی رویه‌ور خواهد شد که هدف آن وارد کردن درد مشابه یا حتی شدیدتر است. این الزام، خطر

جهان

جنگی که هرگز

سیری ندارد!

بدون روتوش



محمد محسن قاضی

کارشناس مسائل فلسطین

«جنگی که هرگز

سیری ندارد!

افرایم گاتور نویسنده مشهور اسرائیلی در یادداشتی نوشته است که یهودا آمیخای از شاعران برتر اسرائیل که سال ۲۰۰۰ فوت کرده است در شعری به نام «شعری برای شنبه شب» جمله‌ای دارد که می‌گوید: «جنگی که هرگز سیری ندارد!»

افرایم گاتور تأکید می‌کند:

«او هرگز تصور نمی‌کرد که این پیشگویی (شعرش) محقق شود. یک سال و نیم پس از آغاز جنگ، همان‌طور که برای همه روشن است، دو هدف مهم بازگرداندن اسرا و نابودی حماس متفق شده است.» پاسخ به این سؤال (که چرا جنگ ادامه دارد؟) از سوی کاپیتنه‌ای که انگیزه اصلی آن انتقام‌جویی است تا تصمیم عاقلانه، این جمله است: «آنچه را که نمی‌توان با زور به دست آورد، با به دست خواهد آمد.»

جمله جالبی است! آنچه را که نمی‌توان با زور به دست آورد، با زور بیشتری به دست خواهد آمد! جمله‌ای که در طول طوفان الاقصی بارها از سوی تحلیل‌گران و شخصیت‌های اسرائیلی تکرار شده است. این همان ماهیت واقعی اسرائیل به تعبیر صحیح‌تر «صهیونیسم» است؛ ماهیتی که گمان می‌کند در مسیر رسیدن به آنچه حق یا نیاز خودش می‌داند، هیچ مرز و مانعی وجود ندارد.

این ماهیت در کنار روحیه سیری‌ناپذیری استعاری‌اش، اسرائیل را تبدیل به هیولایی کرده که ۱۸ ماه در غزه دست بی‌اقداماتی زده که در قرن اخیر بی‌سابقه است.

صهیونیسم نماد استعمار ماندگار است؛ «Settler Colonialism»؛ استعمار سیری‌ناپذیر! هدف اصلی این نوع استعمار حذف فیزیکی، هویتی و فرهنگی ساکنین بومی است و به تعبیری حذف هر هویتی که استعمارسیری‌ناپذیر دیگر را علیه ملتی نابذیر بایستد.

از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ رژیم صهیونیستی خود را در درون یک بازی پایان ناپذیری می‌بیند که اگر نتواند شرایط و معادلات را به پیش از ۷ اکتبر برگرداند و در ضمن آن، بازاردنگی ۶ اکتبر را به گونه‌ای بازبایی کند که دیگر ۷ اکتبر تکرار نشود، خود را در خطر موجودیتی قرار داده است. تل‌آویو عبور از این بحران به نداشتن آن در شاک و نزاع‌های داخلی قابل رویت است، مسیر را در پیش گرفته است، مسیر را در پیش گرفته است، معادلات را به پیش از ۷ اکتبر برگرداند و در ضمن آن، بازاردنگی ۶ اکتبر را به گونه‌ای بازبایی کند که دیگر ۷ اکتبر تکرار نشود، خود را در خطر موجودیتی قرار داده است.

تل‌آویو عبور از این بحران به نداشتن آن در شاک و نزاع‌های داخلی قابل رویت است، مسیر را در پیش گرفته است، مسیر را در پیش گرفته است، معادلات را به پیش از ۷ اکتبر برگرداند و در ضمن آن، بازاردنگی ۶ اکتبر را به گونه‌ای بازبایی کند که دیگر ۷ اکتبر تکرار نشود، خود را در خطر موجودیتی قرار داده است. تل‌آویو عبور از این بحران به نداشتن آن در شاک و نزاع‌های داخلی قابل رویت است، مسیر را در پیش گرفته است، مسیر را در پیش گرفته است، معادلات را به پیش از ۷ اکتبر برگرداند و در ضمن آن، بازاردنگی ۶ اکتبر را به گونه‌ای بازبایی کند که دیگر ۷ اکتبر تکرار نشود، خود را در خطر موجودیتی قرار داده است. تل‌آویو عبور از این بحران به نداشتن آن در شاک و نزاع‌های داخلی قابل رویت است، مسیر را در پیش گرفته است، مسیر را در پیش گرفته است، معادلات را به پیش از ۷ اکتبر برگرداند و در ضمن آن، بازاردنگی ۶ اکتبر را به گونه‌ای بازبایی کند که دیگر ۷ اکتبر تکرار نشود، خود را در خطر موجودیتی قرار داده است. تل‌آویو عبور از این بحران به نداشتن آن در شاک و نزاع‌های داخلی قابل رویت است، مسیر را در پیش گرفته است، مسیر را در پیش گرفته است، معادلات را به پیش از ۷ اکتبر برگرداند و در ضمن آن، بازاردنگی ۶ اکتبر را به گونه‌ای بازبایی کند که دیگر ۷ اکتبر تکرار نشود، خود را در خطر موجودیتی قرار داده است. تل‌آویو عبور از این بحران به نداشتن آن در شاک و نزاع‌های داخلی قابل رویت است، مسیر را در پیش گرفته است، مسیر را در پیش گرفته است، معادلات را به پیش از ۷ اکتبر برگرداند و در ضمن آن، بازاردنگی ۶ اکتبر را به گونه‌ای بازبایی کند که دیگر ۷ اکتبر تکرار نشود، خود را در خطر موجودیتی قرار داده است.

تشدید سریع و مهارناپذیر بحران را در پی دارد. با وجود آشفتگی سیاسی داخلی، پاکستان همچنان از بازاردنگی هسته‌ای قدرتمند و حمایت چین برخوردار است؛ کشوری که خود نیز منافع مهمی در کشمیر دارد. طرح چندمیلیارد دلاری «کریدر اقتصاد چین-پاکستان» که پروژه‌ای شاخص در سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی محسوب می‌شود، از قلمرو تحت کنترل پاکستان در کشمیر عبور می‌کند. پکن همچنین با قاطعیت با اقدام هند در سال ۲۰۱۹ برای لغو وضعیت ویژه کشمیر مخالفت کرد و در همان سال، با جابه‌جایی نیروهایش به بخش‌هایی از منطقه لداخ که تحت کنترل هند بود، ادعای ارضی کرد و تنش نظامی‌ای را رقم زد که تاکنون ادامه دارد. ورود چین به بحران، بعدی خطرناک و جدید به آن افزوده و چشم‌انداز تعهد هند در دو جبهه را پدید آورده و محاسبات مربوط به تشدید درگیری با پاکستان را پیچیده‌تر کرده است. پکن روز گذشته بار دیگر حمایت خود را از «حاکمیت» و «نگرانی‌های امنیتی مشروع» پاکستان ابراز کرد.

هند در برابر حملاتی مانند حمله به پاهالگام، گزینه‌های اندکی در اختیار دارد که آنها نیز پرمخاطره‌اند. عملیات‌های مخفیانه، مانند ترور یک فرمانده برجسته تروریستی یا یک مقام اطلاعاتی یا نظامی پاکستان، ممکن است امکان انکارپذیری معقول را فراهم کنند، اما بعید است بتوانند پاسخگوی خواست شدید سیاسی و عمومی برای اقدام باشند. حملات هوایی فرامرزی خطر بالایی تلافی‌جویی و تشدید تنش را دارند، به‌ویژه با توجه به وضعیت کنونی پاکستان و نیاز منیر به نمایش قاطعیت. در همین حال، نیروهای مسلح هند با چالش‌های مهمی در زمینه نوسازی مواج‌اند و در مرز مورد مناقشه با چین به‌شدت درگیرند که این امر توانایی آنها برای حفظ یک درگیری طولانی‌مدت یا مقابله هم‌زمان با چالش در دو جبهه را محدود می‌کند. پاکستان، به نوبه خود، ممکن است درگیری محدود با مسیرهای خروج روشن را که از طریق گفت‌وگوهای پشت‌پرده و مداخله قدرت‌های خارجی مدیریت می‌شود، فرصتی برای بسیج حمایت داخلی و منحرف کردن توجه‌ها از بحران‌های درونی تلقی کند، اما اسلام‌آباد همچنان در وضعیت اقتصادی منززل‌لی قرار دارد و در مرزهای غربی خود با افغانستان و ایران نیز با چالش‌هایی مواجه است. منافع چین در منطقه، تصمیم‌گیری‌های هند را دشوارتر می‌کند، زیرا پکن ممکن است نسبت به حفظ سرمایه‌گذاری‌ها و جایگاه راهبردی خود نگران باشد. سیاست «تلافی به علاوه» پاکستان را به احتمال تشدید سریع درگیری را افزایش می‌دهد. خطرناک‌ترین سناریو آن است که واکنش نظامی هند، ضد حملات تشدیدتر از سوی پاکستان را به دنبال داشته باشد و زنجیره‌ای از واکنش‌ها را به راه اندازد که هیچ‌یک از طرفین نتوانند به‌راستی مهارش کنند. در حالی که هر دو کشور در حالت آماده‌باش بالا قرار دارند و احساسات ملی‌گرایانه نیز به‌شدت بالا گرفته، خطر اشتباه محاسباتی یا تشدید ناخواسته بحران، بسیار بیشتر از آن چیزی است که تحلیل‌گران با افکارعمومی درک می‌کنند. در بدترین حالت، این سناریو می‌تواند به سرعت به جنگی تمام‌عیار بدل شود که سبایه تهدید استفاده از سلاح‌های هسته‌ای بر آن افتاده و ویرانی فاجعه‌بار را در سراسر جنوب آسیا به دنبال خواهد داشت. اینکه بحران سال ۲۰۱۹ به‌طور مسالمت‌آمیز پایان یافت، هیچ تضمینی برای تکرار آن در بحران بعدی نیست. هسته‌های هند و پاکستان به سلاح هسته‌ای نمی‌توانند به خوش شانس‌ی برای جلوگیری از ماریپج تشدید تنش فاجعه‌بار تکیه کنند.

عصر جنگ

سخنرانی اخیر نازندرا مودی در ایالت بهار، با لحن تند و پیام‌رسانداری جهانی، صرفاً پاسخی به یک حمله تروریستی نبود بلکه پرده‌ای تازه در نمایشی پرمخاطره بود که منظره را به یک نقطه انفجار خطرناک تبدیل کرده است. اکنون که هر دو کشور هند و پاکستان با بحران‌های داخلی و فشارهای خارجی روبه‌رو هستند، وسوسه بهره‌برداری سیاسی از تراژدی کشمیر بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. شاید مودی به یاد نداشته باشد که در سال ۲۰۲۲، پس از حمله روسیه به اوکراین، به ولادیمیر پوتین گفت: «این دوران، دوران جنگ نیست.»

در گذشته، بازیگران بین‌المللی نقش کلیدی در مهار بحران‌ها در جنوب آسیا ایفا کرده‌اند. اما امروز، جهان از نزاع‌های مکرر هند و پاکستان خسته شده و تمایل چندانی برای مداخله در جنوب آسیا وجود ندارد. خروج نیروهای ناتو از افغانستان نیز اهمیت پاکستان را برای ایالات متحده کاهش داده است. اظهارنظر اخیر دونالد ترامپ که گفته بود هند و پاکستان «به هر طریقی این مسأله را حل خواهند کرد، بازتاب خلایی بزرگ در دیپلماسی جهانی است؛ خلأیی که چشم‌انداز میانجیگری طرف ثالث برای کاهش تنش را بسیار تیره کرده است.

نبود فشار خارجی در کنار انگیزه‌های داخلی نازندرا مودی و عاصم منیر برای نشان دادن چهره‌ای مقتدر، وضعیت کنونی را به‌طور بی‌سابقه‌ای قابل اشتعال کرده است. آتش بس موجود در خط کنترل (OLC) که چهار سال برقرار بوده، نمی‌تواند اطمینان بخش باشد؛ زیرا هیچ‌یک از طرفین تعهدی واقعی به صلح و ثبات نشان نداده‌اند، اختلافات اساسی را حل نکرده‌اند یا تلاشی جدی برای اعتمادسازی نداشته‌اند. این آتش‌بس شکننده و قابل‌برگشت است. از آنجا که رهبران هر دو کشور انگیزه دارند که بر مواضع سخت خود پافشاری کنند، فضای مصالحه تنگ‌تر و احتمال درگیری بیشتر شده است. خطر تشدید تنش -چه عمدی، چه ناخواسته- بیش از هر زمان دیگری است و پیامدهای هرگونه اشتباه محاسباتی می‌تواند برای جنوب آسیا و حتی جهان، فاجعه‌بار باشد.

منبع: ForeignAffairs